

**Meta-analysis of psychological variables associated with hijab and chastity**Abbas Aindechi¹ | Samia Arab Khorasani²

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.63.5.1

Abstract

Hijab and chastity as an individual-social phenomenon are related to psychological and social variables. The purpose of this study is to meta-analyze the psychological variables associated with hijab and chastity in the two decades of 1377 to 1397. This research is applied based on purpose and descriptive based on data collection method. In its implementation, two methods of systematic review and meta-analysis were used. Comprehensive meta-analysis software (CMA2) was used for statistical analysis of data. The population in this study was the documents published in the databases of Jihad Daneshgahi, the Comprehensive Portal of Humanities, the Iranian Institute of Information Science and Technology, the database of Iranian publications, the Noor specialized journals database and the Civilica database. Twenty-two documents were meta-analyzed based on entry and exit criteria and validated by two evaluators based on the Newcastle-Ottawa scale. The results show that the average overall effect size of studies in the field of psychological factors for the fixed effects model is 0.4 and the random effects model is 0.337, both of which are significant at the level of 0.001. The average size of the overall effect of studies in the field of psychological consequences for the fixed effects model is 0.333 and the random effects model is 0.359, the former is significant at the level of 0.001 and the latter at the level of 0.04. As a result, psychological factors such as psychological structures and endogenous personality traits of the individual and exogenous traits resulting from family upbringing that appear in different degrees and coefficients in individuals affect the state of hijab and chastity. Hijab and chastity also affect some psychological components such as mental health, peace and psychological and social security.

Keywords: Hijab, Chastity, Psychological factors, Meta-analysis.

Research Paper

Received:
22 May 2022Revised:
26 December 2022Accepted:
23 January 2023Published:
25 June 2022

P.P: 155-182

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269

1. Corresponding Author: Assistant professor, faculty member of Psychology Department, Women and Family Research Institute, Qom, Iran ab.ayenehchi@yahoo.com
2. Assistant professor, faculty member of University of Religions and Religions, Faculty of Women and Family, Qom, Iran.

Cite this Paper: Aindechi' A & Arab Khorasani'S. Meta-analysis of psychological variables associated with hijab and chastity. The Women and Families Cultural-Educational, 63(2), 155-182.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



۶۳

سال هجدهم
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

صص: ۱۵۵-۱۸۲

شاپا چاپی: ۴۶۴۵- ۴۹۵۵

الکترونیکی: ۵۲۶۹- ۳۶۴۵



فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

فرا تحلیل متغیرهای روان شناختی همبسته با عفاف و حجاب

عباس آینده‌چی^۱ | سمیه عرب‌خراسانی^۲

چکیده

حجاب و عفاف به‌عنوان یک پدیده فردی- اجتماعی، با متغیرهای روانی و اجتماعی در ارتباط است. هدف از پژوهش حاضر فرا تحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته با حجاب و عفاف در دو دهه ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۷ است. این پژوهش براساس هدف، کاربردی و بر اساس روش گردآوری داده‌ها توصیفی است و در اجرای آن از دو روش مرور نظام‌مند و فرا تحلیل استفاده شد. برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار فرا تحلیل جامع (CMA2) استفاده شد. جامعه در این پژوهش، مدارک منتشر شده در بانک‌های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی، پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه مجلات تخصصی نور و پایگاه سیویلیکا بود. تعداد تعداد ۱۶ مدرک براساس ملاک‌های ورود و خروج و تأیید دو ارزیاب بر اساس مقیاس نیوکاسل- اتاوا وارد فرا تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد میانگین اندازه اثر کلی مطالعات در حوزه عوامل روان‌شناختی برای مدل اثرات ثابت برابر ۰/۴ و مدل اثرات تصادفی ۰/۳۳۷ بود که هر دو در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. میانگین اندازه اثر کلی مطالعات در حوزه پیامدهای روان‌شناختی برای مدل اثرات ثابت برابر ۰/۳۳۳ و مدل اثرات تصادفی ۰/۳۵۹ بود که اولی در سطح ۰/۰۰۱ و دومی در سطح ۰/۰۴ معنادار است. در نتیجه، عوامل روان‌شناختی از جمله سازه‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی درون‌زاد فرد و ویژگی‌های برون‌زاد حاصل از تربیت خانوادگی که در درجات و ضرایب مختلف در افراد نمایان می‌شود با وضعیت حجاب و عفاف مرتبط است. همچنین حجاب و عفاف بر برخی مؤلفه‌های روان‌شناختی مانند سلامت روان، آرامش و امنیت روانی و اجتماعی تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: عفاف، حجاب، عوامل روان‌شناختی، فرا تحلیل.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران.

ab.ayenehchi@yahoo.com

۲. استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده، قم، ایران.

استناد: آینده‌چی، عباس؛ عرب‌خراسانی، سمیه. فرا تحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته با عفاف و حجاب؛ ۶۳(۲)، ۱۵۵-۱۸۲.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.63.5.1

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

مسائل و موضوعاتی مانند حجاب، پدیده‌هایی چندبعدی هستند که لازم است جهت فهم دقیق آن، از منظرها و ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرند. مسئله حجاب به‌عنوان یک پدیده فردی-اجتماعی همواره مورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های مختلف دانش بوده است. اگرچه تعریف مفهومی و عملیاتی حجاب یکی از کمبودها و ابهامات این حوزه پژوهشی است، لکن براساس تعریف موجود در پژوهش‌ها می‌توان برداشت کرد که منظور از حجاب در آیات و روایات این است که زن اندام و زینت خود را از نامحرم بیوشاند و از هرگونه رفتار تحریک‌آمیز اجتناب نماید (حق‌شناس، ۱۳۸۶). به‌عبارت‌دیگر، حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است: بعد ایجابی آن وجود پوشش بدن و بعد سلبی آن حرام بودن خودنمایی به نامحرم است. این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۴۳۱). بنابراین از مجموعه آیات و روایات استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و رعایت حریم با نامحرم در انحراف مختلف است (رجبی، ۱۳۸۹؛ به نقل از زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۳). نظریه مرکزی پژوهش‌ها بر مبنای حوزه دانش و توجیه اهمیت اجتماعی، روان‌شناختی، خانوادگی و فردی حجاب انتخاب می‌شود و پژوهشگران از نظریه خاصی مانند یادگیری مشاهده‌ای، مبادله، خرده‌فرهنگ‌ها، گزینش عقلانی و سایر نظریه‌ها برای تبیین عوامل مؤثر بر حجاب استفاده می‌کنند. نظریه یادگیری مشاهده‌ای^۱ و نظریه مبادله^۲ در پژوهش حسین‌زاده، و همکاران (۱۳۹۶) به منظور بررسی عوامل نگرش به حجاب مورد استناد قرار گرفته است. آلبرت بندورا^۳ در توضیح نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است کودک رفتارهای اجتماعی را از دو راه عمده می‌آموزد. نخست، از راه آموزش مستقیم و به تعبیر دیگر شرطی‌سازی. دوم، از راه تقلید که گاه از آن با عناوین همانندسازی یا سرمشق‌گیری یاد می‌شود. کودک یا به کمک عوامل تقویت‌کننده و نظام پاداش و تنبیه نسبت به رفتارها شرطی شده و آن‌ها را می‌آموزد یا الگوهای رفتاری توسط والدین و دیگر عوامل جامعه‌پذیری (اعضای بزرگ‌تر خانواده، سایر بزرگسالان، آموزگاران، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی) الگوسازی می‌شوند و کودک از این الگوها تقلید و پیروی می‌کند. نقش رسانه‌ها

1. Observational learning
2. Exchange theory
3. Bandura, A.

بر نگرش افراد را می‌توان بر مبنای نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بر تأثیرپذیری فرد از تماشای هر محتوا و بازآفرینی با تقلید از آن تبیین نمود. از دیگر عوامل مؤثر بر حجاب میزان پاداش و مجازاتی است که در صورت رعایت یا عدم رعایت آن به فرد می‌رسد. نظریه مبادله هومنز^۱ جهت تأثیر میزان پاداش یا مجازات را نشان می‌دهد. بر اساس این نظریه، مردم کاری را که در گذشته از آن پاداش دیده باشند تکرار می‌کنند و از دست به کاری که از آن ضرر دیده باشند امتناع می‌کنند. به عبارت دیگر، هر چه شخص در رابطه با اعمالی که انجام داده پاداش بیشتری دریافت کرده باشد در آینده نیز با تکرار همان اعمال سعی در دریافت همان پاداش دارد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

نظریه خرده‌فرهنگ‌ها^۲ در تبیین وضعیت حجاب و تحولات آن مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است. تعلق ذهنی فرد به خرده‌فرهنگی نسبتاً ناهمگون با فرهنگ غالب، به‌ویژه اگر با رضایت‌مندی همراه باشد و فرد از رهگذر همسویی با آن به پاداش‌های روانی خوشایند و ارضاکننده‌ای دست یابد، رفته‌رفته سبب می‌شود فرد از التزام به اقتضاهای فرهنگ غالب چشم‌پوشد و به بی‌مسئولیتی در قبال ایفای تعهدات فرهنگی روی آورد. اقدام به هنجارشکنی می‌تواند نوعی توفیق اجتماعی محسوب شود و نوعی رضایت خاطر و احترام از جانب اعضای خرده‌فرهنگ برای فرد ایجاد کند. این نظریه برای تبیین بدحجابی زنان طبقه اشراف، غیر معتقد به هنجارهای ملی و مذهبی و جوانان تنوع‌طلب که برای قواعد اخلاقی و ارزش‌های جمعی ارزش قائل نیستند، افتخارآمیز بودن نقض قواعد اجتماعی را توجیه می‌کند (مولایی و یوسف‌وند، ۱۳۹۳). در صورتی که فرد بتواند فشار سنگین ناشی از تقابل میان اقتضاهای ناهمخوان این دو جریان را تحمل کند و برای آن توجیه کافی داشته باشد، به احتمال بسیار تقاضای خرده‌فرهنگ یادشده را به زبان فرهنگ غالب، اجابت نموده و از ایفای الزامات شهروندی شانه خالی خواهد کرد (نیک‌بخش، ۱۳۹۸).

نیک‌بخش (۱۳۹۸) جهت بررسی تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب از نظریه‌گزینش عقلانی^۳ استفاده کرده است. بر اساس این نظریه نقض هنجارها رهاورد گزینش و انتخاب فرد است. این نظریه هرچند اثرپذیری رفتار از علل پیرامونی و عوامل محیطی را نفی نمی‌کند؛ ولی در نهایت فاعل کنش را مسئول اصلی این انتخاب می‌داند. افراد به کج‌روی دست می‌زنند چون خود چنین

1. Homans, G.
2. Subcultures theory
3. Rational behavior

می‌خواهند. انتخابی که امکان آن هرچند با نسبت‌های مختلف برای همه افراد وجود دارد. با این نگاه، میزان گرایش به حجاب و پوشش به‌خصوص از سوی زنان بخش عمده‌ای متأثر از رفتار اجتماعی آنان همسو با ارزش‌ها و هنجارهای رایج جامعه است که در قالب گزینش عقلانی قابل ترسیم است.

در بررسی عوامل مؤثر بر حجاب و عفاف می‌توان از منظر روان‌شناسی دین به موضوع نگریست. برخی از پژوهشگران به نظریه هیرشی^۱ اشاره کرده‌اند که بیانگر آن است که میزان تعلقات و پابندی افراد به ارزش‌های دینی می‌تواند در کاهش انحرافات اجتماعی مؤثر باشد. طبق این دیدگاه، آمادگی ذهنی در پذیرش و عدم پذیرش حجاب، فرد را با ارزش‌های دینی و اجتماعی حجاب همسو یا غیرهمسو خواهد ساخت. در صورت همسویی، هم‌نواپی کامل بین پذیرش ارزش‌های دینی و اجتماعی جامعه و سطح تعلقات فردی شکل خواهد گرفت (نوروزی، ۱۳۹۳). نظریه کاستلز^۲ در مورد دین، به نقش این نهاد تأثیرگذار در هویت‌سازی در جامعه شبکه‌ای اشاره دارد. دین در سال‌های پایانی این هزاره به‌عنوان منبع هویت به‌طور اعجاب‌آوری نیرومند و اثرگذار جلوه کرده است (مولایی و یوسف‌وند، ۱۳۹۳).

ذوالفقاری (۱۳۹۴) درباره نقش سبک جامعه‌پذیری دینی و حجاب به نظریات مربوط به سبک آموزش و جامعه‌پذیر کردن حجاب در افراد از طریق خانواده تأکید دارد. او به بررسی نظریات مرتبط با حوزه جامعه‌پذیری پرداخته و از نظریات وبر^۳ و برگر و لاکمن^۴ استفاده کرده است. وبر در جامعه‌پذیری حجاب از جانب خانواده بر جامعه‌پذیری دینی تأکید دارد. از نظر او شرایط مادی و وضعیت منزلتی گروه‌های گوناگون، جامعه‌پذیری دینی متفاوتی ایجاد می‌کند. مطابق مدل کنش‌های وبر، حجاب نوعی کنش اجتماعی است که دارای چهار انگیزه و نیت ابزاری، ارزشی، سنتی و عاطفی از سوی کنشگران این عرصه (زنان) است. در کنش ابزاری، حجاب هدف نیست؛ بلکه در واقع حجاب ابزاری برای رسیدن به هدف است. کنش ارزشی نسبت به حجاب برگرفته از نوعی اعتقاد است که باعث رعایت یا عدم رعایت آن توسط کنشگر می‌شود. کنش سنتی نسبت به

1. Hirschi, T.

2. Castells, E.

3. Weber, M.

4. Berger, P. & Lockman, T.

حجاب نوعی عادت است. در کنش عاطفی، فرد با احساس ترس و اجبار، علاقه، خودنمایی نسبت به حجاب رفتار می‌کند.

نظریه برگر و لاکمن شناخت و آگاهی افراد از واقعیت‌های اجتماعی را از طریق تعاملات و ارتباطات با دیگران، تعبیر و تفسیر از آن‌ها و پدیده‌های اجتماعی و رفتاری که در اطراف آن‌ها انجام می‌شود به دست می‌آورند و به این وسیله دنیا و جهان پیرامون را برای خود ایجاد نموده و معنادار می‌کند. فرد زندگی روزمره خود را به عنوان واقعیتی به نمایش می‌گذارد که به وسیله آدمیان تعبیر و تفسیر می‌شود. پرورش اجتماعی اولیه نخستین مرحله اجتماعی شدن فرد است که در کودکی صورت می‌گیرد و او را عضو جامعه می‌کند. پرورش اجتماعی ثانوی عبارت است از هر یک از فرایندهای بعدی که فرد قبلاً اجتماعی شده را به بخش‌های تازه‌ای از دنیای عینی جامعه‌اش سوق می‌دهد. با توجه به اندیشه برگر و لاکمن، جامعه‌پذیری فرایند یادگیری صرف نیست؛ زیرا فرد بر مبنای آن هویت می‌یابد. براساس نظر آن‌ها این‌طور برداشت می‌شود کسی که در خانواده خود حجاب را یاد گرفته است، این حجاب در وی درونی شده و جزء هویت وی می‌شود (برگر و لاکمن، ۱۳۸۷؛ نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۴).

نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) به موضوع گرایش به حجاب و تلقی زنان پرداخته و با استفاده از نظریه کنش متقابل^۱، بر گفتگوی کنشگر و جهان تأکید دارد. در این نظرگاه، کنشگر و جهان فراگردهایی ساختاری و ثابت نیستند؛ بلکه پویا بوده و در فراگرد کنش، هم کنشگر و هم جهان دائماً بازسازی و نو می‌گردند. هربرت مید^۲ جامعه‌پذیری را فرایند شکل‌گیری خود و ذهن در آدمی می‌داند. وی اظهار می‌دارد که یکی از نتایج حیاتی جامعه‌پذیری، توانایی پیش‌بینی انتظارات دیگران از ما و شکل دادن رفتار بر طبق آن‌ها است. مید چهار عامل مهم فرایند جامعه‌پذیری را ارتباط، مبادله، نگرش دینی و تعارض اجتماعی می‌داند. مطابق نظریه کولی^۳، خود شخص از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد. خاستگاه اجتماعی زندگی یک شخص از رهگذر تبادل او با اشخاص دیگر پدید می‌آید و آگاهی یک شخص از خودش بازتاب افکار دیگران درباره او است. زیمل^۴ جامعه را محصول تعامل افراد دانسته و افراد را به عنوان محصولات جامعه و حلقه‌های پیوند فراگرد اجتماعی می‌داند. عجین شدن در شبکه روابط اجتماعی سرنوشت‌گریزناپذیر زندگی بشری است.

1. Interaction theory

2. Mead, G. H.

3. Cooley, C.

4. Simmel, G.

جامعه با ایجاد و رشد فردیت بر افراد تأثیر گذاشته و باعث می‌شود فرد به هیئت خاص انسانی خود درآید. ادوین ساترلند با نظریه پیوند افتراقی معتقد است انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌گردد. رفتار انحرافی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرضیه اصلی در این نظریه این است که رفتار انحرافی آموخته می‌شود که در خصوص حجاب به‌عنوان رفتار انحرافی قابل استفاده است.

نعمتی‌فر و صفورایی پاریزی (۱۳۹۸) با توجه به نظریه استفاده و رضامندی سعی در تبیین مسئله حجاب و رسانه دارند. فرض اصلی نظریه استفاده و رضامندی این است که افراد مخاطب کم‌و بیش به‌صورت فعال به دنبال محتوایی هستند که بیشترین رضایت را برای آنان فراهم سازد. میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد. پنج فرض اصلی در این نظریه وجود دارد: هدف و انگیزه در استفاده از رسانه؛ استفاده از محتوای رسانه‌ای جهت برآوردن نیازها؛ عوامل اجتماعی و روان‌شناختی به‌عنوان واسطه رفتار ارتباطی؛ وجود رقابت میان رسانه‌ها و دیگر اشکال ارتباط برای انتخاب، توجه و استفاده؛ و فرض آخر آنکه در روابط میان رسانه‌ها و افراد، معمولاً افراد در مقایسه با رسانه‌ها نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری دارند. مجموع نیازها و انگیزه‌های مخاطب در استفاده از رسانه‌ها در چهار مقوله آگاهی و نظارت، روابط شخصی، هویت شخصی و سرگرمی و گریز از واقعیت جای دارد. در مجموع فعال بودن مخاطب یکی از مفاهیم و مفروضات اصلی نظریه است. این نظریه در خصوص حجاب و تأثیر رسانه بر آن معتقد است رابطه دوگانه‌ای میان رسانه و انتخاب فرد در خصوص حجاب وجود دارد که نوعی دیالکتیک انتخاب میان رسانه و فرد را رقم می‌زند (نعمتی‌فر و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸).

با توجه به موارد موارد گفته شده گفته شده می‌توان گفت که عوامل روان‌شناختی مؤثر بر حجاب به معنای روندها و فرایندهای ذهنی، درونی و فردی است که بر پوشش و تحولات آن تأثیرگذار است. حجاب به‌عنوان یک رفتار می‌تواند از منابع مختلف درون‌روانی و ابعاد شناختی، هیجانی و عاطفی برخوردار باشد. کشف، تبیین و پیش‌بینی عوامل نگرشی، گرایشی، انگیزشی و کنشی در مسئله حجاب می‌تواند نگاه دقیق‌تری از مسئله حجاب ارائه نموده و در مدیریت آن نقش بسزایی ایفا نماید. بسیاری از پژوهشگران درصدد کشف سازه‌ها و عوامل روان‌شناختی مرتبط با حجاب مانند

انتخاب‌گری، تصور از خود، عزت‌نفس، خودمهارگری، تیپ شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی و پابندی دینی و مکانیسم اثر آن‌ها در انتخاب نوع پوشش و حجاب برآمدند.

فرا تحلیل به عنوان یک روش آماری منجر به کاهش واریانس نتایج مطالعات می‌شود؛ چرا که مبتنی بر تحلیل آماری خلاصه تعیین‌گرها و یا اندازه‌های اثر می‌باشد. با انجام یک مطالعه فرا تحلیل، می‌توان متغیرها و زمینه‌های بیشتری را در ارتباط با یک مسأله شناسایی و تحقیق نمود. بنابراین، نتایج تحقیقات می‌تواند تکمیل‌کننده یکدیگر بوده و در یک الگوی نسبتاً جامع ارایه گردد. از نظر روش‌شناختی، فرا تحلیل، می‌تواند آزمونی از پژوهش‌های انجام‌شده به لحاظ روایی و پایایی آنها، شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های پژوهش‌ها و ضرورت انجام آنها باشد. فرا تحلیل یک تکنیک است که تعیین می‌کند که آیا مطالعات در اندازه اثر مشارکت دارند؟ به عبارت بهتر، آیا یک اندازه اثر کلی وجود دارد که اهمیت و تأثیر مداخله را توجیه می‌کند؟ اگر چنین نیست، باید عواملی وجود داشته باشند که در اختلاف بین اندازه اثرهای جداگانه دخیل باشند (لیوناردو و جواکینو، ۱۹۹۰؛ صانعی، ۱۳۸۴).

روش پژوهش

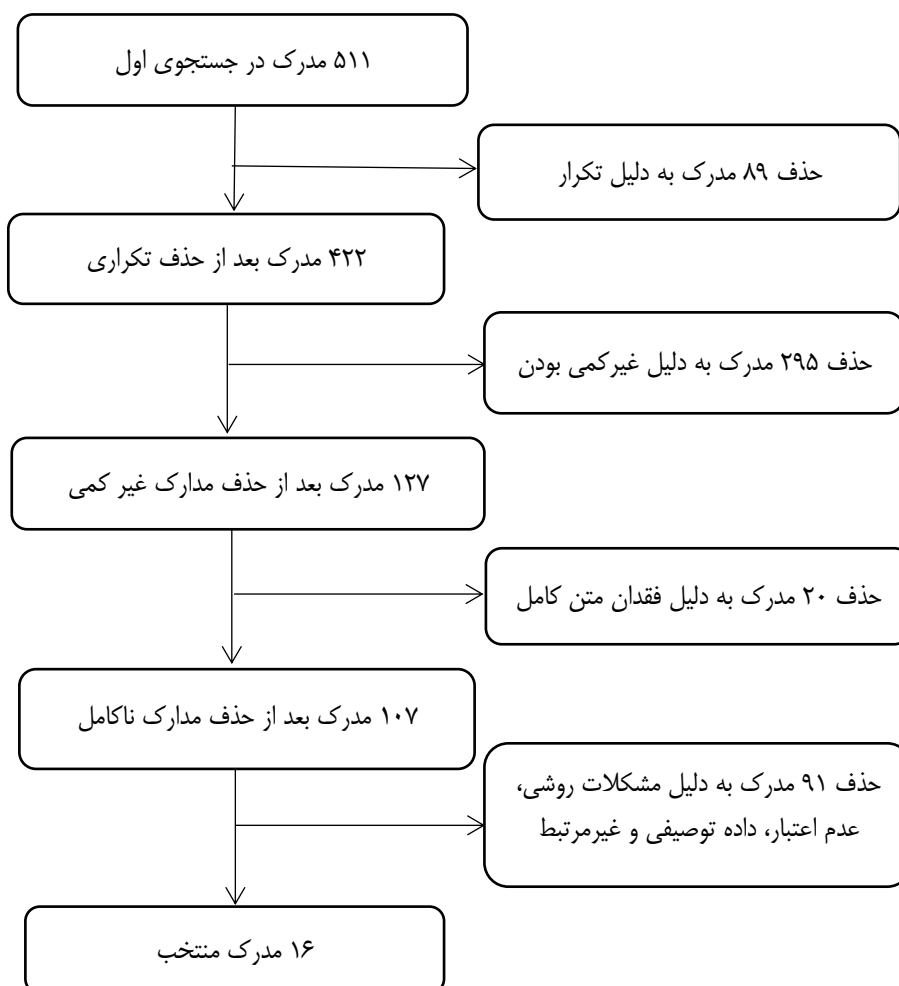
این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس روش گردآوری داده‌ها توصیفی است. با توجه به اهداف پژوهش از دو روش مرور نظام‌مند و فرا تحلیل استفاده شد. مرور نظام‌مند نوعی مرور ادبیات درباره موضوع مشخص علمی است. در مرور نظام‌مند روش‌های معینی برای جست‌وجو در ادبیات و ارزیابی تک‌تک تحقیقات به کار می‌رود تا با استفاده از ابزارهای مناسب تمامی شواهد تحقیقات مهم مرتبط با سؤال پژوهش شناسایی، ارزیابی، انتخاب و ترکیب شود (میروشپرد، ۲۰۱۱).

همچنین فرا تحلیل یک اصطلاح کلی برای توصیف فنون آماری است که به پژوهشگران امکان می‌دهد الگوی یافته‌های حاصل از انواع مطالعات منتشر شده را در مورد یک پرسش پژوهشی تحلیل کند (هویت و کرامر^۱، ۱۳۹۶، ص ۴۴۶). فرا تحلیل تکنیکی آماری است که به جای یک فرضیه پژوهشی خاص به ترکیب حجم اثرهای حاصل از انجام پژوهش‌های مختلف می‌پردازد. در این روش، پژوهشگر با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از پژوهش‌ها، در قالب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند. اصل اساسی در این روش عبارت است از ترکیب

1. Mair, C., Shepperd, M.
2. Howitt, D. and Cramer, D.

نتایج تحقیقات مختلف و استخراج نتایج جدید و منسجم و حذف آنچه موجب سوگیری در نتایج نهایی می‌شود. برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار فراتحلیل جامع^۱ (CMA2) استفاده شد. در این بخش از مطالعه مروری که با هدف بررسی عوامل مؤثر بر حجاب انجام شد، داده‌های مطالعه از مدارک منتشرشده از بانک‌های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی و مرکز اسناد ایران (SID)، پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک)، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگ‌یران)، پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز) و پایگاه سیویلیکا در دو دهه اخیر بازیابی شدند. پالایش و غربال‌گری مدارک شناسایی شده اقدام شد. همان‌طور که در روندنما ورود مقالات به مطالعه (شکل ۱) مشاهده می‌شود در پالایش مدارک، ابتدا به حذف مدارک تکراری اقدام و سپس بر اساس ملاک‌های ورود و خروج، مجموعه ۲۲ مدرک پژوهشی به‌منظور فراتحلیل غربال شد. روندنمای غربال‌گری و انتخاب مدارک دارای صلاحیت در شکل (۱) ارائه شده است. ملاک‌های ورود و خروج عبارت‌اند از:

- داخلی بودن پژوهش‌ها،
- انتشار در دو دهه اخیر (۱۳۹۷-۱۳۷۷)،
- مرتبط بودن با موضوع پژوهش،
- تحلیل روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی مرتبط با موضوع پژوهش،
- رعایت استانداردهای روش‌شناختی (جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری، روش گردآوری داده‌ها، روش تحلیل داده‌ها)،
- حاوی داده‌های شفاف،
- پژوهش‌های با متن کامل (حذف گزارش کنفرانس‌ها)،
- عدم تکرار،
- جدیدترین و کامل‌ترین نسخه‌ها و کنار گذاشتن نسخه‌های قدیمی و ناکامل،
- حذف پایان‌نامه‌هایی که مقالات مستخرج از آن‌ها در دسترس است،
- تأیید ارزیابان.



شکل ۱. روند نما ورود مدارک به مطالعه

در بررسی ابتدایی از تعداد ۵۱۱ مدرک تعداد ۸۹ مدرک به دلیل تکراری بودن حذف شدند. از مجموع ۴۲۲ مدرک باقیمانده ۲۹۵ مدرک به دلیل غیر کمی بودن حذف شدند. این مدارک شامل مدارک کیفی، مدارک مربوط به حوزه‌های بررسی دینی بودند. از مجموع ۱۲۷ مدرک کمی، ۲۰ مدرک شامل ۱۲ مقاله، ۵ رساله و ۳ طرح پژوهشی به دلیل فقدان متن کامل حذف شدند.

۹۱ مدرک به دلیل مشکلات روش‌شناختی، عدم اعتبار داده‌ها، وجود داده‌های توصیفی و غیرمرتبط حذف شد و در نهایت ۱۶ مدرک باقی ماند که در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مدارک بازبایی شده با موضوع متغیرهای همبسته با حجاب و عفاف

ردیف	عنوان	پژوهشگران	مکان و زمان انتشار
۱	بررسی رابطه عفاف، حجاب و تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان	سوسن کنگاوری؛ راضیه موزرمی‌نیا؛ محمد داودی؛ ملک‌حسن حسینی	همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶
۲	بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی	سیده فاطمه صدر، عبدالله معتمدی	روان‌شناسی و دین، ۱۳۹۴
۳	عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان	سیدحمیدرضا علوی، رضیه حجتی	تربیت اسلامی، ۱۳۸۶
۴	بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء سطح حجاب و عفاف (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)	لیلا افسری	علوم رفتاری، ۱۳۹۱
۵	بررسی رابطه بین ابعاد عزت‌نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان زن متأهل و مجرد دانشگاه پیام نور واحد اهواز	مریم اسدی، مرضیه مشعل‌پور، زهرا عبادی، سارا موسوی، محمد زربخش	اسلام و علوم اجتماعی، ۱۳۹۷
۶	بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان	مریم عسکریان بیدگلی؛ زینب‌السادات اطهری و حسین ستار	دانشگاه کاشان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۵
۷	بررسی ارزش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی دختران با حجاب و بدحجاب	زهرا انوری؛ سیدصدرالدین شریعتی و عبدالله شفیع‌آبادی	دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۹

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

ردیف	عنوان	پژوهشگران	مکان و زمان انتشار
۸	تأثیر استفاده از گروه‌های مطالعاتی هدایت‌شده با محتوای دینی و اخلاقی بر عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، حجاب و عفاف و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر	فهیمة بهزادی نیا؛ محمود سعیدی رضوانی؛ سیدمحسن اصغری نکاح و حسین باغگلی	دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۹۴
۹	بررسی علل بدحجابی در دختران مراکز پیش‌دانشگاهی شهر کرمان	محبوبه جوادی نجف‌آبادی؛ گل‌بابا سعیدی و فرشته کردستانی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۹۰
۱۰	بررسی عوامل مرتبط با رعایت حجاب دختران دانشجو دانشگاه‌های شهر کرمان	معصومه لاهوتی؛ سیدحمیدرضا علوی؛ یدالله جوادی	دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده ادبیات، ۱۳۸۸
۱۱	بررسی رابطه عفاف، حجاب و سلامت روانی در دانش‌آموزان دختر شهرستان بیجار	راضیه موزرمی نیا؛ سوسن کنگوری؛ محمد داودی؛ ملک حسن حسینی	همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶
۱۲	رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان	محمد زارعی توپخانه، سیده خدیجه مرادیانی گیزهرود، عباسعلی هراتیان	روانشناسی و دین، ۱۳۹۳
۱۳	تأثیر رعایت حجاب بر عزت‌نفس در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین	فاطمه سفیدی، رؤیا مافی، فاطمه قدیمی، مریم طاهرپور	فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۲
۱۴	مقایسه مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان باحجاب و بدحجاب	غلامحسین انتصار فومنی، سحر کاوندی، نقی کمالی، منصوره انتصار فومنی، فاطمه انتصار فومنی	زن و مطالعات خانواده، ۱۳۹۳

ردیف	عنوان	پژوهشگران	مکان و زمان انتشار
۱۵	تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر حجاب بر آرامش روانی دختران دبیرستانی (مطالعه موردی: شهرستان دهلران ۱۳۹۰)	حسن مومنی، عسگر نورالله زاده، گودرز بهمنی	فصلنامه توسعه انسانی، ۱۳۹۰
۱۶	رابطه عفاف و حجاب با امنیت فردی و اجتماعی دختران جوان بیرجند در سال ۱۳۹۰	یحیی محمدی، سیما کاظمی، فرشته اسدزاده	فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۹۱

به منظور کاهش سوگیری، کیفیت مقالات توسط دو ارزیاب مستقل با استفاده از چک‌لیستی از ملاک‌های ورود و خروج و همچنین بر اساس مقیاس نیوکاسل-اتاوا^۱، مورد ارزیابی قرار گرفت. مقیاس نیوکاسل-اتاوا ابزاری است که برای ارزیابی کیفیت مطالعات غیر تصادفی در یک بررسی مروری نظام‌مند و یا فراتحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از ابزار، هر مطالعه بر روی هشت ماده داوری می‌شود که به سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند: فرایند انتخاب گروه‌های مطالعه؛ مقایسه‌پذیری گروه‌ها، و تعیین میزان قرار گرفتن در معرض یا نتیجه مورد نظر. این ابزار با همکاری دانشگاه نیوکاسل استرالیا^۲ و دانشگاه اتاوا کانادا^۳، با استفاده از یک فرآیند دلفی^۴ برای تعریف متغیرهای استخراج داده‌ها تهیه شده است. نمره‌گذاری مقیاس بر اساس عدد یک یا ستاره در صورت اشاره کردن به موارد در نظر گرفته شده در مقیاس و عدد صفر یا بدون ستاره در صورت عدم اشاره صورت می‌گیرد. ستارگان اهدا شده برای هر مورد با کیفیت، به‌عنوان یک ارزیابی بصری سریع عمل می‌کنند. جهت ارزیابی کیفیت و انتخاب، مدارکی که نمره کمتر از چهار داشتند، به‌عنوان مدارک با کیفیت پایین در نظر گرفته شدند. در موارد عدم توافق نظر بین دو ارزیاب درباره برخی از مدارک، با گفتگو و بررسی استدلال هر یک از ارزیاب‌ها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شد. بر اساس ملاک‌های مذکور و بررسی نقاط قوت و ضعف مدارک، تعداد دوازده مدرک از فرایند بررسی خارج شد و تعداد بیست‌وشش مدرک دارای صلاحیت برای بررسی مروری تشخیص داده شدند. مهم‌ترین دلایل حذف مدارک عبارت بودند از: مشکلات روش‌شناختی از قبیل نمونه و نمونه‌گیری،

1. Newcastle-Ottawa scale
2. University of Newcastle, Australia
3. University of Ottawa, Canada
4. Delphi process

عدم اعتبار و روایی ابزار گردآوری داده‌ها، عدم شفافیت و صحت داده‌ها و یافته‌ها و همچنین ضعف در تبیین منطقی یافته‌ها.

شاخص‌های اندازه اثر

یک دسته از متغیرهایی که در پژوهش‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است، عوامل روان‌شناختی مؤثر بر حجاب می‌باشد. فراتحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته با حجاب بر اساس مدارک انتخاب‌شده در جدول (۲) ارائه شده است.

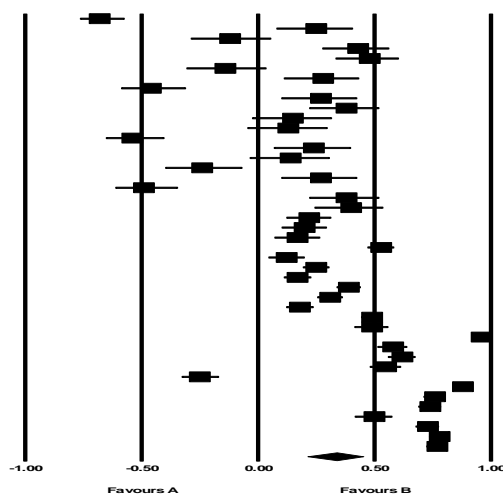
جدول ۲. داده‌های فراتحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته با حجاب

متغیرها	مقادیر همبستگی (R)	مقادیر Z	اندازه استاندارد (SE)
روان‌آزرده‌گرایی و بعد اجتماعی حجاب	-۰/۶۸	-۰/۸۲۹	۰/۰۹۰
برون‌گرایی و بعد اجتماعی حجاب	۰/۲۵	۰/۲۵۵	۰/۰۹۰
گشودگی و بعد اجتماعی حجاب	-۰/۱۲	-۰/۱۲۱	۰/۰۹۰
موافق بودن و بعد اجتماعی حجاب	۰/۴۳	۰/۴۶۰	۰/۰۹۰
با وجدان بودن و بعد اجتماعی حجاب	۰/۴۸	۰/۵۲۳	۰/۰۹۰
روان‌آزرده‌گرایی و بعد فردی حجاب	-۰/۱۴	-۰/۱۴۱	۰/۰۹۰
برون‌گرایی و بعد فردی حجاب	۰/۲۸	۰/۲۸۸	۰/۰۹۰
گشودگی و بعد فردی حجاب	-۰/۴۶	-۰/۴۹۷	۰/۰۹۰
موافق بودن و بعد فردی حجاب	۰/۲۷	۰/۲۷۷	۰/۰۹۰
با وجدان بودن و بعد فردی حجاب	۰/۳۸	۰/۴۰۰	۰/۰۹۰
روان‌آزرده‌گرایی و بعد احکام شرعی حجاب	۰/۱۵	۰/۱۵۱	۰/۰۹۰
برون‌گرایی و بعد احکام شرعی حجاب	۰/۱۳	۰/۱۳۱	۰/۰۹۰
گشودگی و بعد احکام شرعی حجاب	-۰/۵۴	-۰/۶۰۴	۰/۰۹۰
موافق بودن و بعد احکام شرعی حجاب	۰/۲۴	۰/۲۴۵	۰/۰۹۰
با وجدان بودن و بعد احکام شرعی حجاب	۰/۱۴	۰/۱۴۱	۰/۰۹۰
روان‌آزرده‌گرایی و نمره کل حجاب	-۰/۲۴	-۰/۲۴۵	۰/۰۹۰
برون‌گرایی و نمره کل حجاب	۰/۲۷	۰/۲۷۷	۰/۰۹۰
گشودگی و نمره کل حجاب	-۰/۴۹	-۰/۵۳۶	۰/۰۹۰
موافق بودن و نمره کل حجاب	۰/۳۸	۰/۴۰۰	۰/۰۹۰

فرا تحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته با عفاف و حجاب

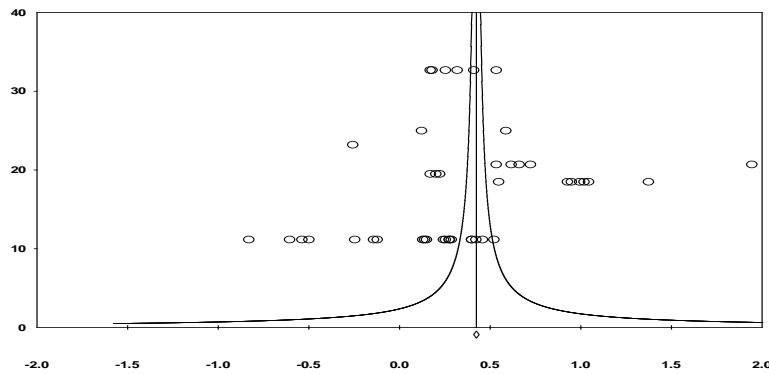
متغیرها	مقادیر همبستگی (R)	مقادیر Z	اندازه استاندارد (SE)
با وجدان بودن و نمره کل حجاب	۰/۴	۰/۴۲۴	۰/۰۹۰
خودمهارگری و بعد اجتماعی حجاب	۰/۲۲	۰/۲۲۴	۰/۰۵۱
خودمهارگری و بعد فردی حجاب	۰/۲	۰/۲۰۳	۰/۰۵۱
خودمهارگری و بعد احکام شرعی حجاب	۰/۱۷	۰/۱۷۲	۰/۰۵۱
عامل فردی	۰/۵۲۹	۰/۵۸۹	۰/۰۴۰
صداقت	۰/۱۲۳	۰/۱۲۴	۰/۰۴۰
میزان آگاهی به حجاب و میزان باور به حجاب	۰/۲۵	۰/۲۵۵	۰/۰۳۱
میزان آگاهی به حجاب و میزان التزام عملی به حجاب	۰/۱۷	۰/۱۷۲	۰/۰۳۱
میزان باور به حجاب و میزان التزام عملی به حجاب	۰/۳۹	۰/۴۱۲	۰/۰۳۱
میزان آگاهی به عفاف و میزان باور به عفاف	۰/۳۱	۰/۳۲۱	۰/۰۳۱
میزان آگاهی به عفاف و میزان التزام عملی به عفاف	۰/۱۸	۰/۱۸۲	۰/۰۳۱
میزان باور به عفاف و میزان التزام عملی به عفاف	۰/۴۹	۰/۵۳۶	۰/۰۳۱
عزت نفس	۰/۴۹	۰/۵۳۶	۰/۰۴۸
عزت نفس عمومی	۰/۹۶	۱/۹۴۶	۰/۰۴۸
عزت نفس خانوادگی	۰/۵۸	۰/۶۶۲	۰/۰۴۸
عزت نفس اجتماعی	۰/۶۲	۰/۷۲۵	۰/۰۴۸
عزت نفس تحصیلی	۰/۵۵	۰/۶۱۸	۰/۰۴۸
میزان رضایت از زندگی	-۰/۲۵	-۰/۲۵۵	۰/۰۴۳
تربیت اخلاقی و حجاب	۰/۸۸	۱/۳۷۶	۰/۰۵۴
عفت و حجاب	۰/۷۶	۰/۹۹۶	۰/۰۵۴
شرم و حیا و حجاب	۰/۷۴	۰/۹۵۰	۰/۰۵۴
غیرت و حجاب	۰/۵	۰/۵۴۹	۰/۰۵۴
وقار و متانت و حجاب	۰/۷۳	۰/۹۲۹	۰/۰۵۴
کرامت و حجاب	۰/۷۸	۱/۰۴۵	۰/۰۵۴
عزت و حجاب	۰/۷۷	۱/۰۲۰	۰/۰۵۴
میانگین اندازه اثر کلی برای مدل اثرات ثابت	۰/۴		
میانگین اندازه اثر کلی مدل اثرات تصادفی	۰/۳۳۷		

میانگین اندازه اثر کلی مطالعات در حوزه عوامل روانی برای مدل اثرات ثابت برابر $0/4$ و مدل اثرات تصادفی $0/337$ می باشد که هر دو در سطح $0/01$ معنادار است. در جدول ۲ دو دسته عوامل با اندازه اثر بزرگ و اندازه اثر متوسط مشاهده می شود. عوامل با اندازه اثر بزرگ به ترتیب از بزرگ ترین اثر عبارت اند از: عزت نفس عمومی ($1/946$)، تربیت اخلاقی ($1/376$)، کرامت ($1/045$)، عزت ($1/020$)، عفت ($0/996$)، شرم و حیا ($0/950$)، وقار و متانت ($0/929$)، روان آزرده گرایی ($-0/829$)، عوامل با اندازه اثر متوسط به ترتیب از بزرگ ترین اثر عبارت اند از: عزت نفس اجتماعی ($0/725$)، عزت نفس خانوادگی ($0/662$)، عزت نفس تحصیلی ($0/618$)، غیرت ($0/549$)، میزان باور به عفاف ($0/536$)، گشودگی ($-0/536$)، با وجدان بودن ($0/424$)، میزان باور به حجاب ($0/412$)، موافق بودن ($0/400$)، از بین این عوامل، تیپ شخصیتی روان آزرده گرایی و گشودگی نسبت به تجربه اندازه اثر قابل توجه در جهت منفی بر گرایش به حجاب دارند. نکته دیگری که می توان در جدول مشاهده کرد این است که میزان آگاهی به حجاب ($0/172$) و عفاف ($0/182$) اندازه اثر بسیار ضعیف و در مقابل باور به حجاب ($0/412$) و باور به عفاف ($0/536$) اندازه اثر بالاتر دارند. همچنین این یافته ها نشان می دهند تربیت اخلاقی و تقویت شاخص های اخلاقی تأثیر بسزایی در حجاب و عفاف دارند. فاصله اطمینان اثر این مدارک در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. فاصله اطمینان اندازه اثر متغیرهای همبسته با حجاب

همان‌طور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود اندازه اثر تمام مطالعات در سطح ۰/۹۵ معنادار هستند و میانگین اندازه اثر کلی تمام مدارک نیز در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. نمودار کیفی به منظور ارزیابی و تشخیص سوگیری انتشار نشان‌دهنده پراکندگی میانگین اثر تحقیقات حول محور میانگین است. همان‌طور که نمودار (۲) نشان می‌دهد شکل شبیه قیف حاکی از عدم سوگیری انتشار است.



نمودار ۲. نمودار کیفی خطای استاندارد بر اساس Z فیشر

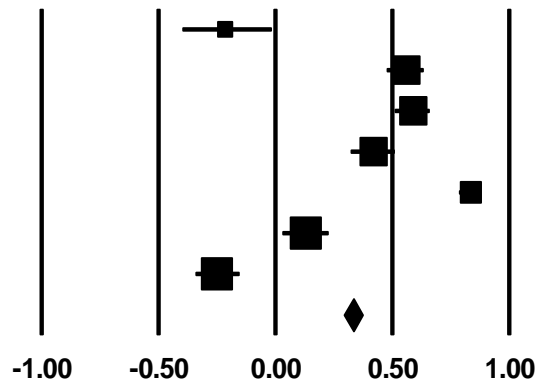
برای بررسی ناهمگونی مطالعات از شاخص کیو استفاده شد. این شاخص با درجه آزادی (K-1) برابر $3221/84$ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است و مقدار پایین P-value حاکی از ناهمگونی مطالعات می‌باشد. آماره I^2 برابر $98/66$ نیز نشانگر ناهمگونی در مطالعات است. بدین ترتیب مطالعات مورد تحلیل در یک اندازه اثر حقیقی مشترک هستند و تفاوت‌های اندازه ناشی از خطای نمونه‌گیری می‌باشد. بر اساس مدل اثر ثابت برآورد نقطه‌ای و فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای مطالعات ترکیبی (۰/۳۸۷ و ۰/۴۱۲) و بر اساس مدل اثر تصادفی (۰/۲۱۲ و ۰/۴۵۰) $0/337$ است. آزمون N ایمن از خطای روزناتل تعداد تحقیقات گم‌شده را محاسبه می‌کند که لازم است به تحلیل‌ها اضافه شود تا عدم معناداری آماری اثر کلی به دست آید. این فراتحلیل شامل ۴۴ داده است که مقدار Z برابر $47/555$ و ارزش p دو دامنه آن برابر با ۰/۰۰۱ را نشان می‌دهد. از آنجا که نتیجه ترکیبی از نظر آماری معنادار است، N اهمیت داشته و باید تعداد ۵۸۶ تحقیق به مطالعات اضافه شود تا مقدار p دو دامنه بزرگ‌تر از ۰/۰۵ شود.

یک دسته دیگر از متغیرهایی که در پژوهش‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است، پیامدهای روان‌شناختی حجاب می‌باشد. فراتحلیل پیامدهای روان‌شناختی همبسته با حجاب بر اساس مدارک انتخاب‌شده در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. داده‌های فراتحلیل پیامدهای روان‌شناختی همبسته با حجاب

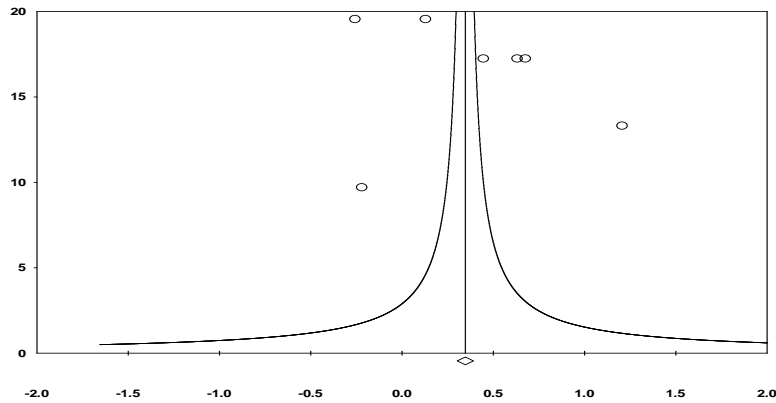
منبع	متغیرها	مقادیر همبستگی (R)	مقادیر Z	اندازه استاندارد (SE)
منبع شماره ۱۱	گرایش به حجاب و سلامت روان	-۰/۲۱۵	-۰/۲۱۸	۰/۱۰۳
منبع شماره ۱۲	پایبندی به حجاب و تصور از خود	۰/۱۳	۰/۱۳۱	۰/۰۵۱
منبع شماره ۱۲	پایبندی به حجاب و سلامت روانی	-۰/۲۵	-۰/۲۵۵	۰/۰۵۱
منبع شماره ۱۵	اهمیت دادن به حجاب و آرامش روان	۰/۵۶	۰/۶۳۳	۰/۰۵۸
منبع شماره ۱۵	پوشش والدین و آرامش روان	۰/۵۹	۰/۶۷۸	۰/۰۵۸
منبع شماره ۱۵	الگوپذیری حجاب و آرامش روان	۰/۴۲	۰/۴۴۸	۰/۰۵۸
منبع شماره ۱۶	گرایش به حجاب و امنیت فردی	۰/۸۳۶	۱/۲۰۸	۰/۰۷۵

میانگین اندازه اثر کلی مطالعات در حوزه پیامدهای روان‌شناختی برای مدل اثرات ثابت برابر ۰/۳۳۳ و مدل اثرات تصادفی ۰/۳۵۹ می‌باشد که اولی در سطح ۰/۰۰۱ و دومی در سطح ۰/۰۴ معنادار است. در جدول ۳ دو دسته پیامدها با اندازه اثر بزرگ و اندازه اثر متوسط مشاهده می‌شود. امنیت فردی (۱/۲۰۸) بزرگ‌ترین پیامد حجاب و عفاف با اندازه اثر بزرگ است. آرامش روان (۰/۶۷۸) در رتبه دوم اندازه اثر قابل توجه دارد. فاصله اطمینان اثر این مدارک در نمودار ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳. فاصله اطمینان اندازه اثر پیامدهای همبسته با حجاب

همان‌طور که در نمودار (۳) مشاهده می‌شود اندازه اثر تمام مطالعات در سطح ۰/۹۵ معنادار هستند و میانگین اندازه اثر کلی تمام مدارک نیز در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. نمودار کیفی به منظور ارزیابی و تشخیص سوگیری انتشار نشان‌دهنده پراکندگی میانگین اثر تحقیقات حول محور میانگین است. همان‌طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد شکل شبیه قیف حاکی از عدم سوگیری انتشار است.



نمودار ۴. نمودار کیفی خطای استاندارد بر اساس Z فیشر

برای بررسی ناهمگونی مطالعات از شاخص کیو استفاده شد. این شاخص با درجه آزادی ($K-1$) برابر $377/429$ محاسبه شد که در سطح $0/001$ معنادار است و مقدار پایین P -value حاکی از ناهمگونی مطالعات می‌باشد. آماره I^2 برابر $98/41$ نیز نشانگر ناهمگونی در مطالعات است. بدین ترتیب مطالعات مورد تحلیل در یک اندازه اثر حقیقی مشترک هستند و تفاوت‌های اندازه ناشی از خطای نمونه‌گیری می‌باشد. بر اساس مدل اثر ثابت برآورد نقطه‌ای و فاصله اطمینان 95 درصد برای مطالعات ترکیبی ($0/293$ و $0/372$) و $0/333$ و بر اساس مدل اثر تصادفی ($0/17$ و $0/625$) $0/358$ است. آزمون N ایمن از خطای روزنتال تعداد تحقیقات گم‌شده را محاسبه می‌کند که لازم است به تحلیل‌ها اضافه شود تا عدم معناداری آماری اثر کلی به دست آید. این فراتحلیل شامل 7 داده است که مقدار Z برابر $15/804$ و ارزش p دو دامنه آن برابر با $0/001$ را نشان می‌دهد. از آنجا که نتیجه ترکیبی از نظر آماری معنادار است، N اهمیت داشته و باید تعداد 449 تحقیق به مطالعات اضافه شود تا مقدار p دو دامنه بزرگ‌تر از $0/05$ شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل عوامل روان‌شناختی همبسته با حجاب و عفاف در دو دهه 1377 تا 1397 انجام شد. عوامل روان‌شناختی به مجموعه عوامل درون‌روانی گفته می‌شود که بر وضعیت حجاب تأثیرگذار است. از جمله این عوامل، سازه‌های روانی و ویژگی‌های شخصیتی درون‌زاد فرد و ویژگی‌های برون‌زاد حاصل از تربیت‌های خانوادگی است که در درجات و ضرایب مختلف در افراد نمایان می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد صفات شخصیتی که افراد را به سمت مسئله حجاب هدایت می‌کند شامل شخصیت باوجدان، گشوده، موافق، انعطاف‌پذیر و مسئولیت‌پذیری است که به نحو کلی در مقابل هر نوع جریان و خواسته‌ای قابلیت پذیرش و همراهی دارد. آنچه این تیپ شخصیتی را با هنجارهای حجاب همراه می‌کند باورها (ارزش نظری و زیبایی‌شناسی) است که در درک آن‌ها از حجاب و پوشش تأثیر دارد. همچنین تربیت اخلاقی، تربیت دینی و سبک تربیت خانوادگی است که فرد را در این زمینه تقویت و آنان را به حجاب متمایل می‌کند. در مقابل این شخصیت، شخصیت روان‌نژندی و روان‌آزرده است که در مقابل هنجارهای حجاب مقاومت می‌کند. این نوع از شخصیت به جهت ویژگی روان‌نژندی و آزرده

قابلیت انعطاف‌پذیری کمی در مقابل هنجارهای اجتماعی داشته و بنابراین در اغلب موارد از آن‌ها سرپیچی می‌کند.

با دقت در یافته‌ها آشکار می‌شود برخی از عوامل روان‌شناختی با عفاف و حجاب در جهت مثبت ارتباط دارند. متغیرهای عزت‌نفس عمومی (۱/۹۴۶)، عزت‌نفس اجتماعی (۰/۷۲۵)، عزت‌نفس تحصیلی (۰/۶۱۸)، عزت‌نفس خانوادگی (۰/۶۶۲)، تربیت اخلاقی (۱/۳۷۶)، کرامت (۱/۰۴۵)، عزت (۱/۰۲۰)، عفت (۰/۹۹۶)، شرم و حیا (۰/۹۵۰)، وقار و متانت (۰/۹۲۹) و غیرت (۰/۵۴۹) که اندازه اثر بزرگ در جهت مثبت با حجاب دارند را می‌توان در سه عامل روانی، خانوادگی و اخلاقی طبقه‌بندی کرد. تقویت سازه‌های روانی و اخلاقی اثر مستقیم بسیار قوی با حجاب و عفاف دارد. نکته مهم در این بخش از عوامل روان‌شناختی آن است که محققان این حوزه بر این باورند که امکان آموزش و تربیت افراد در جهت تقویت این دسته از متغیرهای مؤثر بر عفاف و حجاب در جهت مثبت وجود دارد و می‌توان افراد را از طریق آموزش و تربیت به رعایت حجاب متمایل ساخت.

میزان باور به عفاف (۰/۵۳۶) و میزان باور به حجاب (۰/۴۱۲) به گونه‌ای که در افراد درون‌سازی شده باشد، همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر مستقیم متوسط به بالا، بر گرایش به حجاب و عفاف دارد. اعتقادات مذهبی والدین و به‌ویژه حجاب مادر می‌تواند اثر قابل توجهی در گرایش فرزندان به حجاب نشان داشته باشد. البته نکته قابل توجه این است که الگوهای ارتباطی خانواده و سبک فرزندپروری بسیار مهم بوده و باید مورد توجه قرار گیرد. سبک ارتباطی و فرزندپروری باید به گونه‌ای باشد که عزت‌نفس افراد تقویت شود؛ زیرا طبق یافته‌های پژوهش، عزت‌نفس عمومی، اجتماعی و خانوادگی تأثیر بسزایی در گرایش به حجاب دارد. شخصیت افراد باید به گونه‌ای در بستر خانواده شکل گیرد که افراد بتوانند با این هنجار دینی و اجتماعی خود را منطبق ساخته و به آن ملتزم باشند؛ چرا که یافته‌ها حاکی از تأثیر مستقیم دو تیپ شخصیتی با وجدان بودن (۰/۴۲۴) و موافق بودن (۰/۴۰۰) بر گرایش به حجاب و عفاف است. بنابراین با توجه به نقش مهم خانواده و به‌ویژه والدین، می‌توان تقویت خانواده‌ها در این زمینه را به‌عنوان یکی از استراتژی‌ها و سازوکارهای تقویت گرایش به حجاب در نظر گرفت و سیاست‌گذاری مناسب در راستای تقویت آن شکل گیرد. نکته دیگر این است که تجربه گذشته افراد نیز در گرایش به حجاب اثر مستقیم دارد؛ بنابراین افراد تأثیرگذار در امر حجاب و عفاف در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع باید با در نظر گرفتن این نکته

در جهت افزایش تجربه‌های مثبت از حجاب در افراد تلاش کنند تا از این طریق در تقویت گرایش به حجاب تأثیر گذار باشند. یکی از راه‌های تأثیر گذاری بر تقویت حجاب می‌تواند تشکیل گروه‌های اجتماعی با هدف تقویت فرهنگ حجاب و عفاف باشد دسته دوم از متغیرها، متغیرهای همبسته با حجاب در جهت منفی با اندازه اثر بزرگ و متوسط منفی است. تیپ شخصیتی روان‌آزرده‌گرایی (۰/۸۲۹-) اندازه اثر معکوس بزرگ و تیپ شخصیتی گشودگی (۰/۵۳۶-) اندازه اثر متوسط معکوس بر گرایش به حجاب دارند.

در خصوص گزارش عددی یافته‌های فراتحلیل و ارتباط آن با نگرش نظری و مفهومی در خصوص حجاب و عفاف در جامعه ایرانی نکاتی وجود دارد. همانطور که اشاره شد مطابق گزارش‌های عددی اندازه اثر مجموعه عوامل روان‌شناختی تأمل است و بدین ترتیب تأثیر عوامل روان‌شناختی بر روند و فرایند حجاب و عفاف در جامعه ایرانی غیرقابل انکار است. این نتیجه از جهتی محل توجه و از جهتی دیگر امری قابل پیش‌بینی در جریان فهم ماجرای حجاب و عفاف است. جهت قابل توجه این نتیجه‌گیری آن است که برخلاف انتظار که مسئله حجاب از جهت نظری و مفهومی امری اجتماعی در تعامل فرایندها، نهادها، ساختارها و کنشگران اجتماعی تصور می‌شد، اکنون عوامل فردی در سطح عوامل روان‌شناختی و شخصیتی اندازه اثر بزرگی را نشان می‌دهند. از جهتی دیگر این نتیجه امری قابل انتظار است؛ زیرا در تحول نظری، مفهومی و روشی، کنشگر اجتماعی آغاز به برآمدن در مقابل ساختارها و نهادها کرده و نقشی مؤثرتر از کارگزاری برای خود خواسته و صورت می‌دهد.

درخواست برسمیت شناخته شدن کنشگران از ساختارهای جامعه و گسترش دامنه تأثیرگذاری دوگانه فرد- ساختار به جای تأثیر یک‌جانبه ساختار بر فرد در نظریات جامعه‌شناسانی چون گیدنز (۱۳۸۴) قابل ردیابی است. آنچه در حال حاضر و در بخش تحلیل و نتیجه‌گیری نیازمند توجه است آنکه مطابق نتیجه فراتحلیل حاضر، ارتباط میان کنشگر اجتماعی و ویژگی‌های روان‌شناختی و تأثیر ویژگی‌های آن بر روند حجاب است. مطابق نظر گیدنز (۱۳۸۴) و نظریه ساختاربندی، کنشگر و ساختار یکدیگر را شکل می‌دهند. این رویه بر خلاف نظر رایج است که کنشگران تحت تسلط ساختارها شکل گرفته و مطابق اراده آنها عمل می‌کند. از نظر گیدنز دریافت رابطه دوگانه و تقابلی فرد- ساختار که یکی بر دیگری غالب و مسیطر است توانایی توجیه و تبیین پدیده‌های اجتماعی

جدید چند بعدی را ندارد. بنابراین لازم است رابطه فرد- ساختار به گونه دیگری مورد بازبینی قرار گیرد (گیدنز، ۱۳۸۴).

سرپیچی کنشگران اجتماعی از دستوران ساختاری و تاثیر گذاری مطالبات فردی بر تغییر ساختارها، تغییر نگرش در خصوص رابطه فرد- ساختار را ضروری ساخت. گیدنز معتقد است به جای فرضیه فرد در برابر ساختار و رابطه آمرانه ساختار با فرد، می‌توان فرد و ساختار را دو روی سکه فرایند شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی دانست. در این فرض ساختار فرد را شکل می‌دهد و فرد نیز با استفاده از قدرت خلاقیت، اراده و آزادی، ساختار را شکل می‌دهد؛ فرد و ساختار یکدیگر را شکل می‌دهند. اگرچه همچنان توازن قدرت در این شکل‌گیری و رابطه جدید فرد- ساختار وجود ندارد و دست برتر با ساختار است، اما باز شدن فضای کنش، امکان تبیین پدیده‌های اجتماعی را با نگاه جدیدتر و عمیق‌تری فراهم کرد. در این نگاه جدید، کنشگر که این بار عامل^۱ خوانده می‌شود، در ایجاد، ادامه، تغییر و توقف فرایندها و پدیده‌های اجتماعی نقش دارد. فهم معنای کنش (پیروی یا سرپیچی از ساختارها) سبب می‌شود حوزه‌های حساس و مدیریت‌پذیر مربوط به واقعه اجتماعی مورد مطالعه (در اینجا حجاب) استخراج و جهت‌مدیریت و سیاست‌گذاری استفاده شود.

با فهم این حوزه‌های حساس و مدیریت‌پذیر می‌توان فهمید چه عواملی بر آنها تأثیر داشته و در پی تغییر آنها برآمده‌اند. شناخت این عوامل سبب می‌شود بتوان حقیقت را از مجاز باز شناخته و چنانچه اصول و قواعدی در این زمینه وجود دارد، جریان در حال تغییر را به سمت آن هدایت کرد. رسمیت یافتن کنشگر در جریان تحولات اجتماعی همچنین آورده دیگری نیز دارد و آن تأکید بر مسئولیت اجتماعی عاملان اجتماعی در قبال جامعه به عنوان کلیتی است که حفظ و حراستش بر عهده آنان است. از این طریق می‌توان افراد را به مشارکت در جریانی که آنها خود را در آن شریک دانسته و مسئولیت اجتماعی در قبال آن حس می‌کنند تحریم و تشویق کرد. اهمیت یافتن کنشگر اجتماعی و ذهنیت آنان، محتوای فکری آنها را قابل اهمیت می‌سازد. این محتوا (به ویژه با توجه به نتیجه این پژوهش در اندازه اثر بزرگ عوامل روان‌شناختی) حوزه روان‌شناسی را محل توجه ویژه می‌سازد.

1. Agency

آنچه فرد در روان‌شناسی و کنشگر اجتماعی را به یکدیگر متصل می‌کند محتوای ذهنی - شخصیتی است که فرایندهای اجتماعی در فرد روان‌شناسی ایجاد می‌کنند. آنچه در ظرف ذهن و در ویژگی‌های شخصیتی فرد اثر می‌گذارد بعد روان‌شناختی است که محتوای آن را فرایندهای اجتماعی تعیین می‌کند. سنجش کلان‌مقیاس‌های تکراری چون ساختار اقتصاد، طبقه، قدرت، هنجارها و سایر ساختارها در مقایسه با سنجش خصوصیات خرد چون تیپ شخصیتی، سلامت روان، سبک فرزندپروری، تأثیر والدین و سایر عوامل روان‌شناختی در ایجاد چنین نتیجه‌ای مؤثر بوده است.

در ساختار پژوهش‌های روان‌شناختی نظریه از پیش موجود جایگاهی ندارد بنابراین محقق به بررسی ابعاد فردی، روانی و شخصیتی مرتبط با حوزه عفاف و حجاب می‌پردازد. به نظر می‌رسد پژوهش‌های روان‌شناختی غفلت حوزه جامعه‌شناسی در بررسی کنشگر اجتماعی (به‌ویژه در بعد جنسیتی آنکه پژوهش‌ها را با سوگیری جنسیتی و با نگاه زنانه، فارغ از بررسی نگاه مردانه به‌عنوان عضو دوم کنش متقابل حجاب) را به نحو جزئی‌تر پر کرده‌اند.

بنابر آنچه آمد تناقض میان یافته‌های نظری و عددی در حوزه روان‌شناسی و علوم اجتماعی (به جهت آنکه انتظار می‌رفت حجاب امر اجتماعی باشد و اندازه اثر آن نیز باید بیشتر باشد)، دریچه‌ای جدید جهت نگاه به مسئله حجاب در دو گانه فرد - ساختار را فراهم کرده است؛ اما با توجه به خصوصیات خاص فردی، شخصی و شخصیتی. این جنبه‌ها که در مطالعات روان‌شناسی برجسته شده‌اند، ظروفي هستند که محتوای آن‌ها را فرایندهای اجتماعی از طریق آموزش یا تأثیر رسانه‌ها تعیین می‌کند. این نکته به نحو دیگر در ارتباط همبستگی میان متغیرها قابل باز‌شناسی است؛ بدین نحو که ظرف باورها در عرصه روان‌شناسی می‌توانند پذیرای هر محتوایی باشد؛ چنانچه محتوای همسو با حجاب باشد، گرایش و باور به حجاب تقویت می‌شود و چنانچه محتوای غیرهمسو ارائه شود، گرایش و باور به حجاب تضعیف می‌شود. این رویه در مورد دیگر مؤلفه‌های استخراج شده در حوزه روان‌شناسی نیز وجود دارد و پیوند میان مؤلفه‌های روان‌شناختی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

کنشگر اجتماعی به جهت فعال شدن ابعاد فردی، روانی و شخصیتی، به حدی از تأثیرگذاری در فرایندها و رویه‌های اجتماعی رسیده است که لازم است به رسمیت شناخته شود و حوزه اختیار،

تصمیم‌سازی و تأثیرگذاری او سنجیده شود. این امر بیان نکته ضمنی دیگری است و آن اینکه بررسی امر حجاب، جهت دستیابی به دیدگاهی جامع و کامل برای توصیف، تفسیر و تبیین آدر جامعه ایرانی، نیازمند بررسی چندبعدی شامل فردی/روانی-جنسیتی-اجتماعی است.

یکی از ابعاد مهم این بررسی چند بعدی توجه به جنس و جنسیت افراد است. پژوهش‌های بررسی شده اغلب بر جامعه زنان تمرکز داشته و بر مولفه‌هایی متأثر از حجاب چون امنیت، سلامت روان و عزت‌نفس تأکید کرده‌اند. آنچه در این راستا جالب توجه و محل تأمل است آن که امنیت اجتماعی امری با اهمیت در حوزه فردی و اجتماعی و مؤثر بر دیگر زمینه‌هایی است که سطح امنیت و سلامت جامعه را ارتقاء می‌دهد. اگر رعایت حجاب زمینه تقویت این مؤلفه مهم را فراهم می‌کند، پس نیازمند توجه جدی به این مهم، با رعایت تأثیر و تعامل جنس و جنسیت شامل زنان و مردان، اهمیت یافتن فرد و عوامل روانی/شخصیتی و سهم نهادها و ساختارها در تامین آن است نه آنکه صرفاً بر رعایت حجاب زنان تمرکز شود.

کیفیت پیوند فرد و اجتماع از جمله خانواده، مدرسه، دانشگاه و محیط‌های مختلف عمومی و اجتماعی و مکانیسم اثر آن بر شکل‌گیری سازه‌های روانی، شخصیت و نحوه جامعه‌پذیری فرد نیز مسئله مهمی است که پرداختن به آن در تبیین حجاب امری ضروری است. انتخاب فردی در حوزه حجاب با تأثیر خانواده به‌ویژه والدین و سایر نهادهای اجتماعی مرتبط است. سبک تربیتی، فرزندپروری و مدل‌های انتقال الگو و ارزش‌های حاکم بر جامعه به‌نحوی که فرد به آن‌ها باور داشته باشد به این حوزه مربوط است.

بحث دیگر مرتبط با عوامل روانی، ویژگی‌های شخصیتی است که فرد را در مقابل انتقال ارزش‌ها و الگوها مطیع و پذیرا می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها باوجدان بودن است که در جهت مثبت با عفاف و حجاب همبسته است. همواره یکی از موضوع‌های مهم در شخصیت، موضوع کنترل تکانه‌ها است. در روند تکوین و تحول فردی، بیشتر افراد می‌آموزند که چگونه کشش‌ها و نیازهای خود را اداره کنند. خودمهارگری در روان‌شناسی، با تعابیری مانند کنترل شخصی، منبع کنترل درونی، وجدان و کنترل نفس تبیین می‌شود. طبق نظر برخی روان‌شناسان، همان‌طور که خود‌پدیدار می‌گردد، گرایش به تحقق خود نیز نمایان می‌گردد. این همان هدفی است که غالباً اشخاص سالم بدان دست می‌یابند. در انسان سالمی که به تحقق خود می‌پردازد، الگوی منسجمی ظاهر می‌گردد.

هر چه انسان از سلامت روان بیشتری برخوردار باشد، از انسجام درونی بیشتری برخوردار است. به یک معنا با وجدان بودن، یعنی نظارت وجدان بر کنش‌های فردی؛ که افراد با وجدان بالا به اصول اخلاقی خود پایبند بوده و از خویشتن‌داری و نظم درونی برخوردار هستند.

در پایان، نکته قابل توجه برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان، قانون‌گذاران و کنشگران در این عرصه این است که خط‌مشی‌گذاری در ایجاد و تقویت فرهنگ حجاب و عفاف باید با توجه به عوامل همبسته در جهت مثبت با حجاب صورت گیرد.

این پژوهش با حمایت معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری و پژوهشکده زن و خانواده اجرا شد که بدین وسیله از آنها تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منابع

- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده و سیداسماعیلی، فتح‌الله (۱۳۸۹). رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی. علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۰۲-۹۷.
- اسدی، مریم؛ مشعل‌پور، مرضیه؛ عبادی، زهرا؛ موسوی، سارا و زربخش، محمد (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین ابعاد عزت‌نفس و نگرش به حجاب در بین دانشجویان زن متأهل و مجرد دانشگاه پیام نور واحد اهواز. اسلام و علوم اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۲۰، صص ۱۵۱-۱۴۱.
- افسری، لیلا (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء سطح حجاب و عفاف (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر). علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۳۳-۹.
- انتصار فومنی، غلامحسین؛ کاوندی، سحر؛ کمالی، نقی؛ انتصار فومنی، منصوره و انتصار فومنی، فاطمه (۱۳۹۳). مقایسه مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان باحجاب و بدحجاب. زن و مطالعات خانواده، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۲-۷.
- انوری، زهره؛ شریعتی، سیدصدرالدین و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۹). بررسی ارزشها و ویژگی‌های شخصیتی دختران با حجاب و بد حجاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- اولادی، شعبان؛ جهانبخش، اسماعیل و محمدی، اصغر (۱۳۹۸). تأثیر بدحجابی و تبرج بر احساس امنیت فردی زنان (مورد مطالعه: زنان و دختران بالای ۱۵ سال شهر تهران). پژوهش‌های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۰۲.
- بهزادی نیا، فهیمه؛ سعیدی رضوانی، محمود؛ اصغری نکاح، سیدمحسن و باغگلی، حسین (۱۳۹۴). تأثیر استفاده از گروه‌های مطالعاتی هدایت‌شده با محتوای دینی و اخلاقی بر عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، حجاب و عفاف و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- جوادی نجف‌آبادی، محبوبه؛ سعیدی، گل‌بابا و کردستانی، فرشته (۱۳۹۰). بررسی علل بدحجابی در دختران مراکز پیش‌دانشگاهی شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- حسین‌زاده، علی؛ نیازی، محسن و شفائی‌مقدم، الهام (۱۳۹۶). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی و نگرش به هنجار پوشش اسلامی (حجاب)؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲. دین و ارتباطات، سال ۲۵، شماره ۱، صص ۴۰-۹.
- حقوق‌شناس، جعفر (۱۳۸۶). حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۸۸-۵۱.

- ذوالفقاری، فاطمه؛ افراسیابی، حسین و افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۹۴). نقش سبک جامعه‌پذیری دینی خانواده در گرایش به حجاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یزد: دانشگاه یزد - پردیس علوم انسانی و علوم اجتماعی.
- زارعی توپخلنه، محمد؛ مرادیانی گیزهرود، سیده خدیجه و هراتیان، عباسعلی (۱۳۹۳). رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان. روان‌شناسی و دین، سال هفتم، شماره ۳، صص ۹۲-۸۱.
- سفیدی، فاطمه؛ مافی، رؤیا؛ قدیمی، فاطمه و طاهرپور، مریم (۱۳۹۲). تأثیر رعایت حجاب بر عزت‌نفس در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، شماره ۲، ۲۲۸-۲۱۷.
- صدر، سیده فاطمه و معتمدی، عبدالله (۱۳۹۴). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی. روان‌شناسی و دین، شماره ۳۹، صص ۱۱۲-۱۰۱.
- عسکریان بیدگلی، مریم؛ اطهری، زینب السادات و ستار، حسین (۱۳۹۵). بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کاشان: دانشگاه کاشان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- علوی، سید حمیدرضا و حجتی، رضیه (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان. تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، صص ۸۸-۶۳.
- کنگاوری، سوسن؛ موزرمی نیا، راضیه؛ داودی، محمد و حسینی، ملک حسن. (۱۳۹۶). بررسی رابطه عفاف، حجاب و تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان. همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- لاهورتی، معصومه؛ علوی، سیدحمیدرضا و جوادی، یالله (۱۳۸۸). بررسی عوامل مرتبط با رعایت حجاب دختران دانشجو دانشگاه‌های شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر - دانشکده ادبیات.
- لیوناردو؛ جواکینو. (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل افزوده در تحقیقات پزشکی. ترجمه حسن صانعی. تهران: انتشارات نشر دانشگاهی.
- محمدی، یحیی، کاظمی، سیما و اسدزاده، فرشته (۱۳۹۱). رابطه عفاف و حجاب با امنیت فردی و اجتماعی دختران جوان بیرجند در سال ۱۳۹۰. فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال اول، شماره سوم، صص ۲۰-۹.
- موزرمی نیا، راضیه؛ کنگاوری، سوسن؛ داودی، محمد و حسینی، ملک حسن (۱۳۹۶). بررسی رابطه عفاف، حجاب و سلامت روانی در دانش‌آموزان دختر شهرستان بیجار. همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب.
- مولایی، جابر و یوسف‌وند، شهلا (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان). فصلنامه زن و جامعه، سال پنجم، شماره سوم، صص ۴۶-۳۵.

فرا تحلیل متغیرهای روان‌شناختی همبسته با عفاف و حجاب

مومنی، حسن؛ نورالله‌زاده، عسکر و بهمنی، گودرز (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر حجاب بر آرامش روانی دختران دبیرستانی (مطالعه موردی: شهرستان دهلران ۱۳۹۰). فصلنامه توسعه انسانی، دوره ششم، شماره دوم، صص ۱۰۲-۷۹.

نعمتی‌فر، نصرت‌الله و صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دینداری. دین و ارتباطات، سال ۲۶، شماره ۱، صص ۲۶۲-۲۳۵.

نوروزی، جواد؛ عزیزخانی، اقباله و رسول‌زاده، صمد (۱۳۹۳). گرایش به ترجیح حجاب و تلقی زنان (۵۰-۱۸ ساله) از آن در شهر خلخال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، خلخال: دانشگاه آزاد اسلامی واحد - دانشکده زبان و ادبیات فارسی.

نیک‌بخش، بهرام (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به حجاب (مطالعه‌ی موردی: گرایش به حجاب در بین زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله شهرستان لالی). زن و جامعه، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۳۸۷-۳۶۵.

هویت، دنیس و کرامر، دانکن (۱۳۹۶). روش‌های آماری در روان‌شناسی و سایر علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی‌زند، مالک میرهاشمی، نسترن شریفی و داود معنوی‌پور. تهران: سخن.

Mair, C., Shepperd, M. (2011). meta-analysis issues: international conference on software metrics and estimating. UK.

